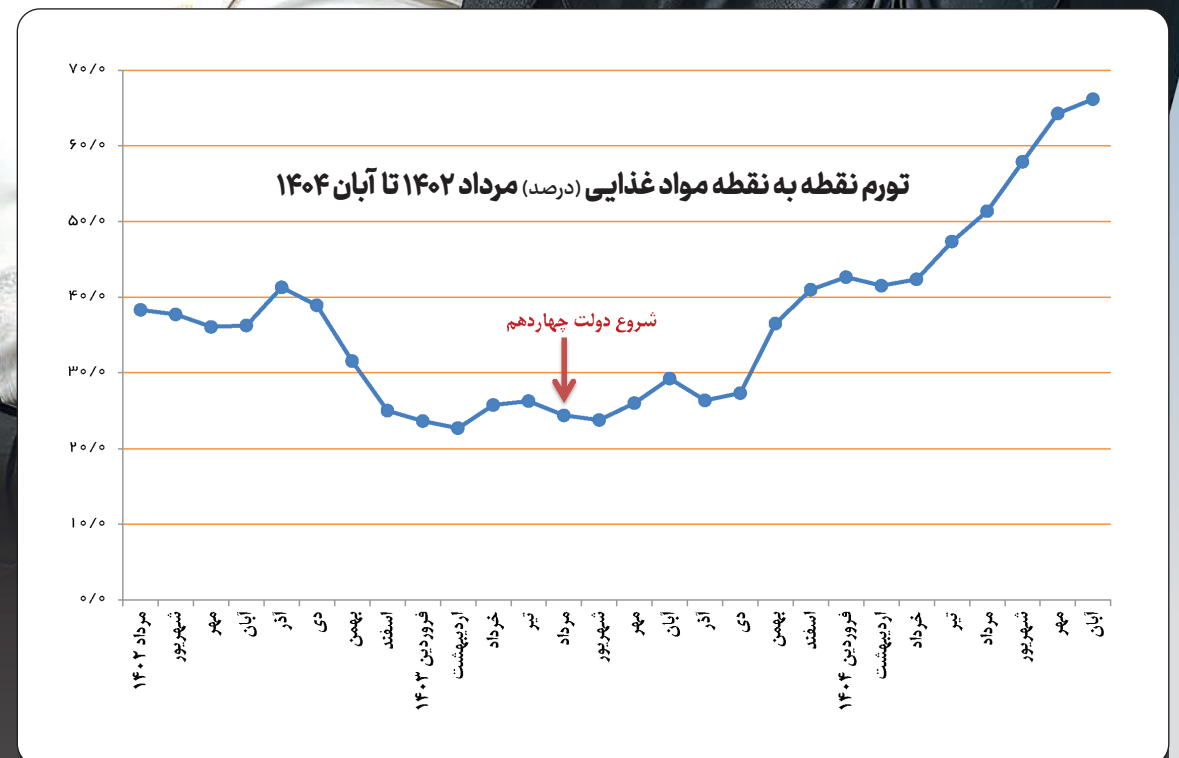


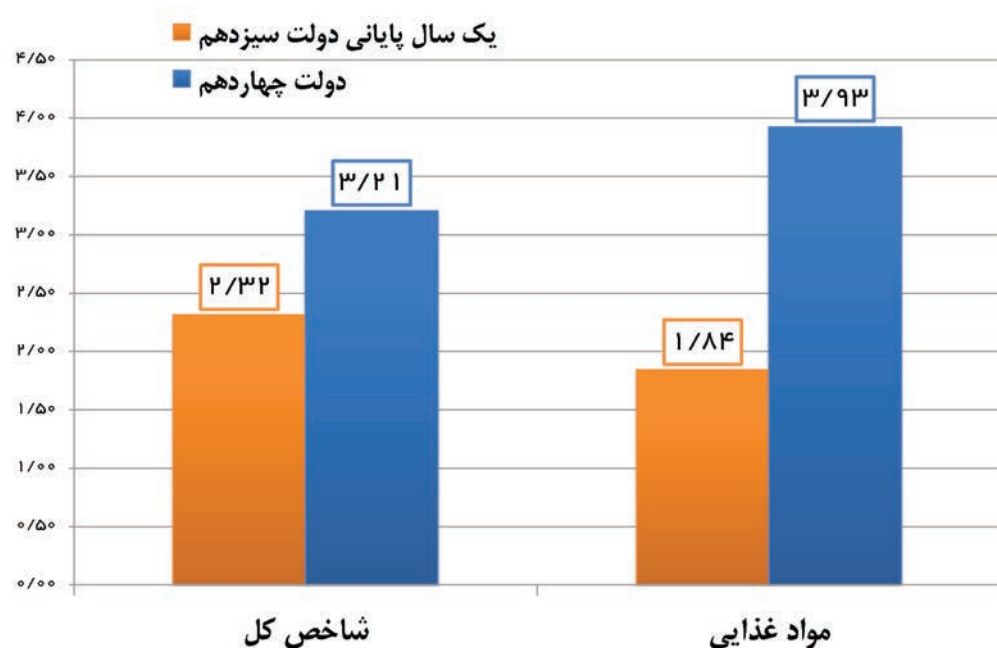
پاسخ آماری به اظهارات معاون
اجرایی دولت چهاردهم؛
اگر دولت سیزدهم ادامه می‌یافت
تورم الآن چقدر بود؟

جعفر دقت کن

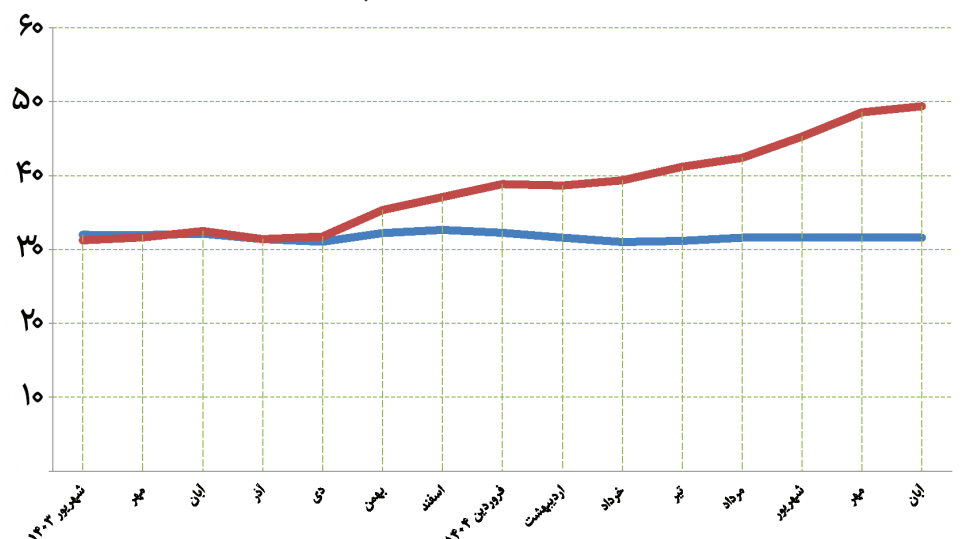
محمد جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی پزشکیان به دولت شهید رئیسی کنایه زده و مدعی شده که اگر مسیر دولت قبل ادامه داشت تورم ۷۰ درصد شده بود. این در حالی است که نرخ تورم در ۱۲ ماه پایانی دولت سیزدهم کاملاً نزولی بود و اگر آن دولت ادامه پیدا کرده بود، اکنون نرخ تورم در کانال ۲۰ درصد قرار داشت در حالی که در دولت پزشکیان در حال افزایش به کانال ۵۰ درصد است



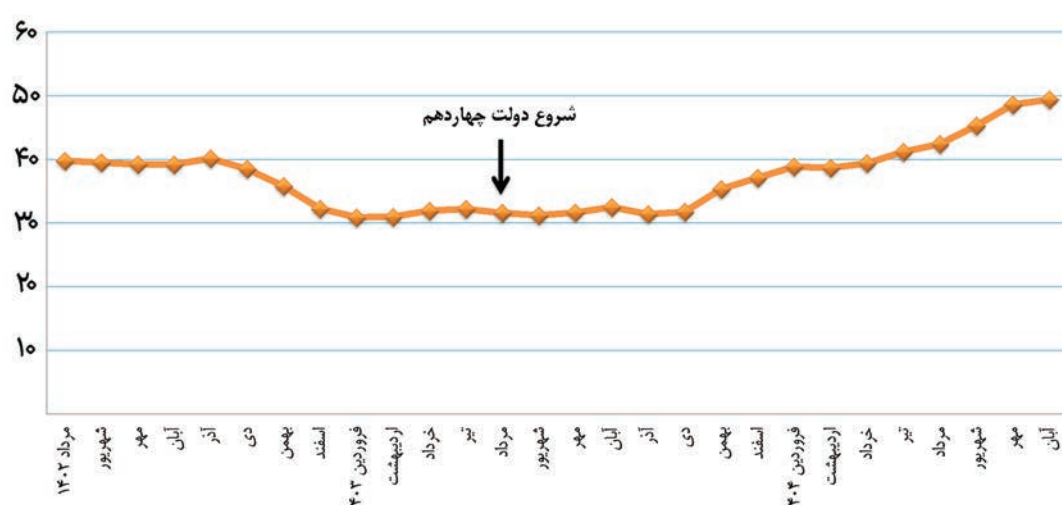
میانگین تورم ماهانه



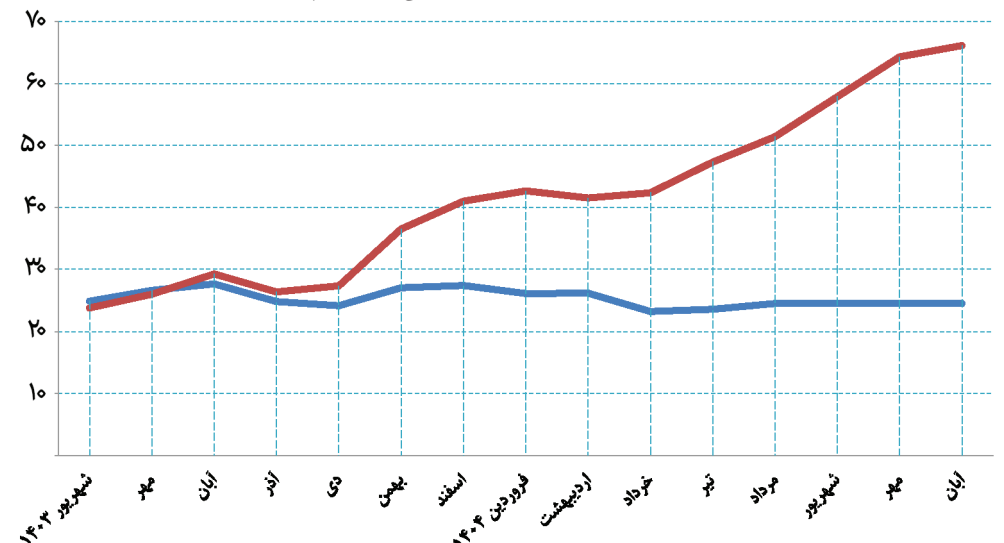
تورم نقطه به نقطه شاخص کل
در صورت ادامه دولت سیزدهم



تورم نقطه به نقطه شاخص کل کالاهای مصرفی (درصد) مرداد ۱۴۰۲ تا آبان ۱۴۰۴



تورم نقطه به نقطه مواد غذایی
در صورت ادامه دولت سیزدهم





نسخه آرام سازی بازار ارز چیست؟

✎ یک کارشناس اقتصادی با اشاره به افزایش تقاضای ارزی در آستانه سال نو میلادی گفت: شبکه های سوداگرانه به منشأ خارجی سهم اصلی در التهاب اخیر نرخ دلار دارند و تأکید کرد که بدون رصد جریان وجوه و اجرای کامل مقررات پولشویی، آرامش پایدار به بازار برنمی گردد.

محمد واعظ برزانی؛ اقتصاددان به بررسی نوسانات اخیر نرخ ارز و عوامل مؤثر بر آن پرداخت و با اشاره به پیچیدگی های اقتصادی ایران، تأکید کرد که این نوسانات ناشی از مجموعه ای از عوامل مختلف است.

وی بخشی از این نوسانات را به عوامل ساختاری اقتصاد ایران نسبت داد و گفت: نرخ بالای رشد حجم پول یکی از نشانه های این مشکلات ساختاری است. واعظ برزانی همچنین به نقش عوامل روانی در افزایش نرخ ارز اشاره کرد و افزود: عجله برخی از سرمایه گذاران ریسک پذیر برای حفظ قدرت خرید یا تلاش برای کسب بازدهی یا لا در شرایط بی ثبات، تأثیر بسزایی در این نوسانات دارد. این اقتصاددان به فعالیت های سوداگرانه، به ویژه آتیهایی که منشأ خارجی دارند، اشاره کرد و گفت: این فعالیت ها سهم قابل توجهی در شکل گیری التهابات اخیر دارند که این مجموعه عوامل، به عنوان قدر مشترک افزایش های اخیر در نرخ ارز به شمار می روند.

واعظ برزانی همچنین به فضای پایان سال میلادی و افزایش طبیعی تقاضای ارز در این زمان اشاره کرد و گفت: این عوامل بر شکل گیری انتظارات تورمی اثر می گذارند؛ اما باید توجه داشت که جریان های سوداگرانه سازمان یافته با منشأ خارجی نقش محوری در این زمینه دارند.

راهکارهای مقابله با نوسانات ارزی

او تأکید کرد که برای مقابله با این نوسانات، اجرای کامل مقررات مبارزه با پولشویی و رصد مبدأ و مقصد انتقال وجوه از سوی بانک مرکزی و نهادهای امنیتی ضروری است. این اقدامات می توانند به کاهش تأثیر فعالیت های سوداگرانه کمک کنند. واعظ برزانی در ادامه به نقش افزایش ذخایر طلا و بانک مرکزی در ایجاد آرامش در بازارها پرداخت و گفت: در کوتاه مدت، رفتار بازار تابع توازن عرضه و تقاضاست. ذخایر طلا رفتار بلندمدت قیمت ها تأثیری می گذارد، اما آرام سازی بازار در کوتاه مدت نیازمند ترتیبات خاصی است. در پایان، این اقتصاددان با اشاره به فضای پرتنش منطقه و اخبار ناخوشایند جهانی، تأکید کرد: عامل روانی در افزایش التهابات بازار ارز بسیار مهم است. در صورت بهبود شرایط منطقه یا انتشار خبرهای مثبت از مذاکرات، ممکن است این التهابات کاهش یابد؛ اما باید توجه داشت که تا زمانی که شبکه های سازمان یافته سوداگرانه در بازار فعال باشند، تغییرات پایدار و کنترل شده به راحتی شکل نخواهد گرفت.

خودرو هم رویای دست نیافتنی کارگران شد

✎ رئیس کمیته بانوان کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران گفت: خودرو از سبد مصرفی خارج و کالای لوکس شده است. شرایط اقساط نیز کارگزار را بدهی ساختاری گرفتار کرده و موتور محرک اقتصاد را از خرید ابزار کارش باز داشته است.

افزایش سرسام آور قیمت خودروهای داخلی، به ویژه ارزان ترین مدل ها مانند کوپیک و سانایا یکی از بزرگترین چالش های معیشتی سال جاری است. در حالی که خودرو باید به عنوان یک ابزار ضروری برای جابجایی، کسب درآمد یا حتی حفظ ارزش پول در سبد دارایی خانوار جای گیرد، قیمت های فعلی عملاً آن را از دسترس بخش بزرگی از جامعه خارج کرده است. این وضعیت، که در آن ارزان ترین خودروی داخلی (کوپیک) اکنون به بهای سنگین ۷۲۰ میلیون تومان عرضه می شود، نشان می دهد که خودرو دیگر کالای مصرفی نیست، بلکه به یک «دارایی لوکس و سرمایه ای» تبدیل شده است: دارایی ای که تنها برای کسانی قابل تملک است که از نوسانات بازار سود می برند، نه کارگرانی که درآمدشان با تورم همخوانی ندارد.

سمیه گلپور، رئیس کمیته بانوان کانون عالی انجمن های صنفی کارگران با اشاره به اینکه ارزان ترین خودرو بازار داخلی به ۷۲۰ میلیون تومان رسیده و خودرویی مانند دنا پلاس اتوماتیک از مرز یک و نیم میلیارد تومان گذشته است، افزود: وقتی ارزان ترین دروازه ورود به طبقه متوسط با حتی راهی برای کسب درآمد (از طریق مسافرجویی) یعنی خرید خودرو، از دسترس خارج می شود، یعنی سیاست های اقتصادی نتوانسته اند اهداف حمایتی خود را اجرا کنند. برای کارگری که حقوق ماهانه او به سختی هزینه های زندگی اولیه را پوشش می دهد، ۷۲۰ میلیون تومان تبدیل به یک «کوه» شده است، نه یک «هدف قابل دستیابی».

وی با بیان اینکه بسیاری از کارگران بیکار شده به سمت مسافرجویی روی می آورند تا با درآمد روزانه، شکاف درآمدی را پر کنند؛ اما اکنون با این قیمت ها این موضوع برای آنها سد شده است گفت: زمانی مسکن برای کارگران رویای دست نیافتی بود. در حال حاضر شرایط قیمت خودرو به گونه ای شده است که ارزان ترین خودرو نیز برای کارگران با ۱۲ میلیون حقوق دست نیافتی شده است. شرایط اقساطی که برخی شرکت های خصوصی ارائه می کنند، ابزاری برای به دام انداختن بیشتر است. اگر اقساط ماهانه خودرویی - حتی قسط اولیه - هم تراز یا بیشتر از حقوق یک کارگر باشد، این یعنی خرید خودرو به جای تأمین نیاز، تبدیل به بدهی ساختاری بلندمدت می شود. کارگر در این شرایط، درآمد ماهانه خود را از دست می دهد و آن را به بدهی برای تأمین یک دارایی تبدیل می کند که ارزش آن نیز دائماً در حال نوسان است. این روش، نه تنها شغل ایجاد نمی کند، بلکه کارگر را در چرخه ای از استرس مالی گرفتار می سازد.

گلپور بیان کرد: وقتی تولید خودروهای داخلی نتوانسته عرضه را با تقاضای واقعی تطبیق دهد و در عین حال، قیمت گذاری توسط عوامل غیرتولیدی (مانند نوسانات نرخ ارز و انتظارات تورمی) تعیین می شود، نتیجه همین است. خودرو از یک وسیله حمل و نقل و سرمایه مولد تبدیل شده به یک «سپر تورمی». مردم پول خود را برای حفظ ارزش سرمایه، به سمت این بازار می آورند و این تقاضای غیرمصرفی، قیمت ها را به شکلی می کشد که کارگر واقعی توان خرید آن را ندارد.

وی افزود: بر اساس افزایش قیمت اخیر، اگر حقوق کارگر را در سطح مصوب در نظر بگیریم، او باید چندین سال، تمام حقوق خود را پس انداز کند تا بتواند حتی هزینه خرید نقدی یک خودروی «کوپیک» را فراهم کند. این یک واقعیت تلخ است.

جعفر دقت کن

پاسخ آماری به اظهارات معاون اجرایی دولت سیزدهم ادامه می یافت تورم الآن چقدر بود؟



گزارش

✎ در حالی که در دولت پزشکیان، تورم باز افزایشی شده و در همین مدت کوتاه، تورم بعضی از اقلام خوراکی به بالای ۱۰۰ درصد رسیده و حتی صدای طرقداران دولت را هم درآورده است، محمد جعفر قائم پناه، معاون اجرایی پزشکیان به دولت شهید رئیسی تکه انداخته و مدعی شده که اگر مسیر دولت قبل ادامه داشت تورم ۷۰ درصد شده بود.

این اظهار نظر قائم پناه کاملاً خلاف واقع است. بر اساس اطلاعات مرکز آمار، نرخ تورم در ۱۲ ماه پایانی دولت سسیزدهم کاملاً نزولی بود. مثلاً تورم نقطه به نقطه شاخص کل از ۳۹٫۸ درصد در مرداد ۱۴۰۲ به ۳۱٫۶ درصد در مرداد ۱۴۰۳ کاهش یافت. این روند نزولی در تورم مواد غذایی نمود بیشتری داشت به طوری که تورم نقطه به نقطه مواد غذایی از ۳۸٫۳ درصد در مرداد ۱۴۰۲ به ۲۴٫۴ درصد در مرداد ۱۴۰۳ رسیده بود. قطعاً اگر آن روند نزولی تورم در دولت سیزدهم ادامه پیدا کرده بود، شاخص تورم هم اکنون در آستانه ورود به کانال ۲۰ درصد بود.

اما طبق آمار رسمی، اتفاقاً از اواسط سال گذشته که دولت چهاردهم بر سر کار آمد، مجدداً نوک پیکان تورم، افزایشی شده و ماه به ماه با صعود تورم مواجه هستیم. مثلاً در آبان امسال تورم مواد غذایی به بیش از ۶۶ درصد افزایش یافته یعنی نسبت به ماه پایانی دولت شهید رئیسی افزایش بیش از ۴۰ درصدی را تجربه کرده است.

برآورد تورم در صورت ادامه دولت سیزدهم

گزارش مرکز آمار نشان می دهد در ۱۲ ماه پایانی دولت شهید رئیسی میانگین تورم ماهانه شاخص کل کالاهای مصرفی ۲٫۳۲ درصد و میانگین تورم ماهانه مواد خوراکی ۱٫۸۴ درصد بود.

این در حالی است که در ۱۵ ماهی که دولت مسعود پزشکیان بر سر کار است میانگین تورم ماهانه شاخص کل کالاهای مصرفی به ۳٫۲۱ درصد افزایش یافته است. همچنین میانگین تورم ماهانه مواد خوراکی هم به ۲٫۹۲ درصد جهش پیدا کرده است. بر این اساس، اگر همان روند تورم ماهانه دولت سیزدهم ادامه پیدا می کرد، حتی در بدترین حالت هم تا آبان امسال تورم نقطه به نقطه شاخص کل کالاهای مصرفی به حدود ۳۱٫۶ درصد می رسید در حالی که هم اکنون در دولت چهاردهم به ۴۹٫۴ درصد افزایش یافته است. همچنین تورم نقطه به نقطه مواد غذایی هم در صورت ادامه دولت سیزدهم در آبان امسال حداکثر ۲۴٫۵ درصد بود در حالی که دولت چهاردهم به ۶۶٫۲ درصد رسیده است.

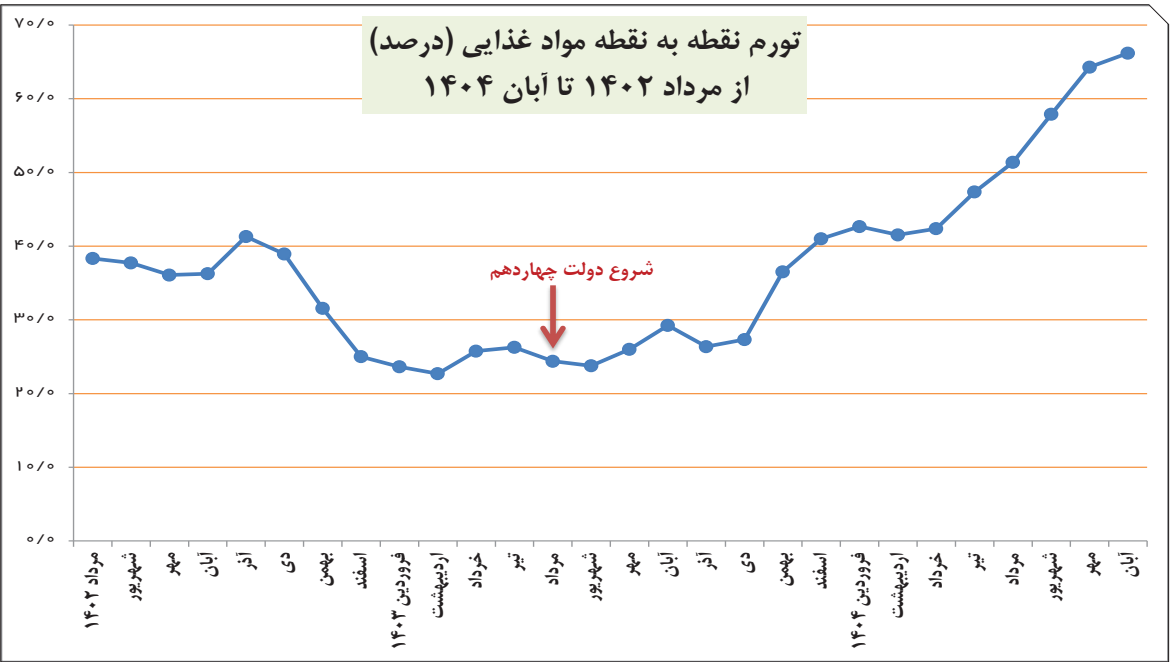
البته در این سناریو، بدترین حالت برای دولت سیزدهم تصور شده است. این در حالی است که در ۱۲ ماه پایانی دولت سیزدهم تورم به شدت نزولی بود. همانطور که ذکر شد تورم نقطه به نقطه شاخص کل از ۳۹٫۸ درصد در مرداد ۱۴۰۲ به ۳۱٫۶ درصد در مرداد ۱۴۰۳ کاهش یافت و تورم نقطه به نقطه مواد غذایی از ۳۸٫۳ درصد در مرداد ۱۴۰۲ به ۲۴٫۴ درصد در مرداد ۱۴۰۳ رسیده بود. قطعاً اگر آن روند نزولی تورم در دولت سیزدهم ادامه پیدا کرده بود، شاخص تورم نقطه به نقطه هم اکنون در مرز بین کانال های ۲۰ و ۳۰ درصد بود در حالی که با سیاست های دولت چهاردهم به کانال ۵۰ درصد نزدیک شده است.

این مقایسه به خوبی نشان می دهد که دولت چهاردهم اقتصاد کشور را با تورم نزولی از دولت سیزدهم تحویل گرفت اما به علت سیاست هایی که اتخاذ کرده مجدداً تورم را صعودی کرده است. بنابراین اظهارات محمد جعفر قائم پناه، معاون اجرایی مسعود پزشکیان، کاملاً خلاف واقع است. گویا دولت مردان در پاسخ به افکار عمومی درباره علت گرانی شدید یک سال اخیر، چاره را در دروغ بستن به دولت شهید رئیسی دیده اند.

گرایش اقتصادی گفت: اجرای طرح مالیات

✎ کارشناس اقتصادی گفت: اجرای طرح مالیات بر سوداگری و عایدی سرمایه نقش بسیار مؤثری در کاهش اثرات تورمی و سوداگری در بازار دارد.

به گزارش اقتصاد معاصر، حسن قائمی، کارشناس اقتصادی با بیان اینکه اجرای طرح مالیات بر سوداگری و عایدی سرمایه یکی از مهم ترین برنامه های سازمان امور مالیاتی و به عنوان اولویت های این بخش به شمار می رود گفت: این طرح با اهداف اصلی «هدایت سرمایه





است. هنگامی که کالاهای اساسی به جای ارز ترجیحی با نیمايي، با ارز آزاد تأمین شوند، قیمت تمام‌شده افزایش می یابد.

با وجود آن که تأمین ارز کالاهای اساسی همچنان از مسیر قانونی و رسمی تجارت خارجی و بانرخ ترجیحی انجام می‌شود، اما استفاده از ظرفیت مصوبه واردات بدون انتقال ارز عملاً مبنای قیمت‌گذاری را از ارز ترجیحی به ارز غیرترجیحی منتقل کرده‌وهمین جابه‌جایی، آثار تورمی مستقیم دارد.

بازار کالاهای اساسی به‌طور قطعی با افزایش قیمت برای مصرف‌کننده نهایی مواجه خواهد شد؛ زیرا امکان تفکیک کالایی که با ارز ترجیحی تأمین شده‌از کالایی که با ارز آزاد یا غیرترجیحی وارد شده، در عمل وجود ندارد. به همین دلیل نه امکان نظارت مؤثر باقی می‌ماند و نه عرضه کالا به قیمت‌مصوب شدنی است. نتیجه روشن است: رانت سنگین وبادآورده برای واردکنندگان که ارز ترجیحی گرفته‌اند، و فشار قطعی برسفره مردم، این یعنی سنگدل گرانی به کل زنجیره توزیع منتقل شده‌وهیچ امکان تفکیک کالای ارانه‌ای از غیرپارانه‌ای وجود ندارد. نتیجه روشن است: رانت برای واردکننده، تورم برای مردم.

ثبت آماری به‌جای ثبـت سفارش: مسیر رسمی قاچاق سیستماتیک

مشکل دیگر، جایگزینی «ثبت آماری» با «ثبت سفارش» است؛ تغییری که ماهیت نظارت را از بین می‌برد. ثبت سفارش برای ورود کالا به کشور شرط قانونی است، اما مصوبه جدید مسیر ثبت آماری—که مخصوص مناطق آزاد است—را به سرزمین اصلی تعمیم داده؛ تغییری که از منظر کارشناسان گم‌رک، نه‌تنها فاقد مبنای قانونی

است، بلکه مسیر قاچاق رسمی شده را هم با می‌کند.

در حالی که قانون‌گذار در تبصره (۳) ماده (۷) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ثبت سفارش را شرط قطعی و غیرقابل‌مخاطره برای ورود هر کالایی به کشور تعیین کرده، مصوبه جدید دولت راه دیگری را باز کرده‌وهواردات کالاهای اساسی را با ثبت آماری (رویه‌ای که اساساً مخصوص مناطق آزاد است و جایگاهی در تجارت رسمی سرزمین اصلی ندارد) مجاز اعلام کرده است.

این تغییر مسیر، تنها یک جابه‌جایی شکلی نیست؛ حذف ثبت سفارش یعنی حذف همان نقطه‌ای که قانون برای کنترل منشأ ارز، جلوگیری از قاچاق و شفاف‌سازی جریان ورود کالا طراحی کرده بود. به همین دلیل، این بخش از مصوبه نیز به‌وضوح با متن صریح قانون در تعارض قرار می‌گیرد و مسیر نظارتی کشور را دور می‌زند.



رد پای یک «اشتباه استراتژیک» در جهش ساعتی دلار

آشکار با نص صریح قانون دارد، بلکه عملاً فشار تقاضای جدیدی را به بازاری تحمیل کرد که پیش از آن هم در وضعیت شکننده قرار داشت. این تصمیم با کنار گذاشتن شبکه بانکی و رسمی در تأمین ارز، راه‌ورود ماهانه ۱۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار تقاضای جدید به بازار آزاد باز کرد؛ تقاضایی که هر فعال ارزی می‌داند در بازاری با عمق محدود، می‌تواند قیمت‌ها را چند پله جهش دهد. نشانه‌های این اثرگذاری از همان روز نخست اجرای مصوبه دیده شد؛ جهش پله‌پله نرخ تنتر، افزایش فاصله نیما و آزاد، بالا رفتن قیمت حواله‌ای و ایجاد موج خریدهای احتیاطی.

دور زدن آیین نامه: تعریف جدید و خطرناک از «بدون انتقال ارز»
هم‌زمان، تعارض این مصوبه با آیین‌نامه اجرایی مقررات صادرات و واردات نیز غیرقابل انکار است. ماده ۳۸ به‌روشنی اعلام می‌کند «واردات بدون انتقال ارز فقط زمانی مصداق دارد که هیچ پرداخت ارزی در خارج انجام نشود؛ یعنی کالایی که اساساً «ماه‌بازاری» ندارد و نیازی به حواله، اعتبار یا انتقال پول به فروشنده خارجی پیدا نمی‌کند. این تعریف روشن و محدودشده است، اما در مصوبه جدید دولت، مفهومی کاملاً متفاوت به نام «بدون انتقال ارز» جازده شده است؛ واردکننده آزاد است ارز را از بازار غیررسمی تهیه کند و چون بانک مرکزی در فرآیند تأمین ارز دخالت ندارد، این عملیات به عنوان «بدون انتقال ارز» معرفی می‌شود.

چنین تفسیری نه‌تنها با روح ماده ۳۸ بیگانه است، بلکه عملاً آیین‌نامه را وارونه می‌کند؛ زیرا آیین‌نامه می‌گوید وقتی پرداخت ارزی وجود دارد، موضوع اصلاً بدون انتقال ارز نیست.

این تعارض آشکار، یکی از جدی‌ترین اشکالات حقوقی مصوبه دولت است و نشان می‌دهد مسیر طراحی‌شده برای تأمین ارز کالاهای اساسی عملاً از چارچوب قانونی صادرات و واردات خارج شده است. این «فرار از تعریف قانونی» نه‌تنها یک خطای شکلی نیست، بلکه راهی برای دور زدن نظارت ارزی دولت و انتقال مبالغ قابل توجهی ارز از مسیر غیررسمی به خارج است.

تورم وارداتی، رانت برای واردکننده، فشار بر مردم

در کنار این‌ها، پیامد تورمی این تصمیم امروز کاملاً قابل مشاهده

در حالی که بازار ارز زیر فشار پایان سال میلادی و کمبود عرضه بود، جریان فکری حامی رهاسازی نرخ ارز با فشار برای اجرای یک مصوبه، سنگدل غلط به بازار داد و انتظارات تورمی را به اوج رساند.

به گزارش تسنیم، قیمت دلار در روزهای اخیر با جهشی بی‌وقفه از مرزهای خطرناک عبور کرده و بازار ارز را به نقطه‌ای رسانده که گویی هیچ دستی بر ترمز آن نیست. صعود نرخ‌ها به کاتال‌های بی‌سابقه و ثبت رکوردهای ساعتی، تصویری ساخته است از بازاری که به حال خود رها شده و هر لحظه می‌تواند شوک تازه‌ای به معیشت مردم وارد کند.

فعالان باسابقه بازاری می‌گویند چنین سرعتی در جابه‌جایی قیمت‌ها حتی در دوره‌های بحران ارزی هم کم‌مسابقه بوده و این بار وضعیت به‌گونه‌ای است که اگر همین امروز، همین آن، ترمز دلار افسارگسیخته گشیده نشود، آثار آن تنها محدود به سبد خانوار نخواهد بود و می‌تواند به سرعت در کل اقتصاد رسوخ کند. نشانه‌های این ناپایداری در بازار کالا، مسکن، خودرو و حتی معاملات خرد روزمره دیده می‌شود؛ وضعیتی که بیش از هر چیز ناشی از اختلالات تصمیم‌گیری و انباشت سبکنا‌هایی است که طی ماه‌های اخیر بازار را از مسیر تثبیت خارج کرده است.

تغییر ریل فکری: سنگدل‌هایی که بازار را روشن کرد
ردگیری این آشفتگی از یک نقطه مشخص آغاز نمی‌شود، اما یک حلقه مهم در زنجیره نوسانات، تغییر تدریجی گفتمان بخشی از تیم اقتصاددار دولت بود؛ گفتمانی که از وزارت اقتصاد و سازمان برنامه‌وبودجه نشأت می‌گرفت و طی ماه‌های گذشته به شکل غیررسمی، اما مکرر، ایده «بذیرش نرخ‌های بالتری» و «ضرورت اصلاح‌های قیمتی» را به بازار مخابره کرد. این پیام‌ها شاید در ظاهر رنگ و بوی کارشناسی داشته باشند، اما برای بازاری که زیر فشار کسری بودجه، کمبود عرضه و نااطمینانی فعالان قرار داشت، یک پیام صریح داشت: دولت از تثبیت عقب‌نشینی کرده است. همین برداشت کافی بود تا انتظارات تورمی بالا برود و هسته سخت قیمت‌ها تکان بخورد.

مصوبه جنجالی: ضربه نهایی به بازار لرزان
در چنین فضایی، مصوبه بحث‌برانگیز «واردات کالاهای اساسی بدون انتقال ارز» ضربه نهایی را وارد کرد؛ مصوبه‌ای که نه‌تنها تناقضی

در حالی که بازار ارز زیر فشار پایان سال میلادی و کمبود عرضه بود، جریان فکری حامی رهاسازی نرخ ارز با فشار برای اجرای یک مصوبه، سنگدل غلط به بازار داد و انتظارات تورمی را به اوج رساند.

به گزارش تسنیم، قیمت دلار در روزهای اخیر با جهشی بی‌وقفه از مرزهای خطرناک عبور کرده و بازار ارز را به نقطه‌ای رسانده که گویی هیچ دستی بر ترمز آن نیست.

صعود نرخ‌ها به کاتال‌های بی‌سابقه و ثبت رکوردهای ساعتی، تصویری ساخته است از بازاری که به حال خود رها شده و هر لحظه می‌تواند شوک تازه‌ای به معیشت مردم وارد کند. فعالان باسابقه بازاری می‌گویند چنین سرعتی در جابه‌جایی قیمت‌ها حتی در دوره‌های بحران ارزی هم کم‌مسابقه بوده و این بار وضعیت به‌گونه‌ای است که اگر همین امروز، همین آن، ترمز دلار افسارگسیخته گشیده نشود، آثار آن تنها محدود به سبد خانوار نخواهد بود و می‌تواند به سرعت در کل اقتصاد رسوخ کند.

نشانه‌های این ناپایداری در بازار کالا، مسکن، خودرو و حتی معاملات خرد روزمره دیده می‌شود؛ وضعیتی که بیش از هر چیز ناشی از اختلالات تصمیم‌گیری و انباشت سبکنا‌هایی است که طی ماه‌های اخیر بازار را از مسیر تثبیت خارج کرده است.

تغییر ریل فکری: سنگدل‌هایی که بازار را روشن کرد
ردگیری این آشفتگی از یک نقطه مشخص آغاز نمی‌شود، اما یک حلقه مهم در زنجیره نوسانات، تغییر تدریجی گفتمان بخشی از تیم اقتصاددار دولت بود؛ گفتمانی که از وزارت اقتصاد و سازمان برنامه‌وبودجه نشأت می‌گرفت و طی ماه‌های گذشته به شکل غیررسمی، اما مکرر، ایده «بذیرش نرخ‌های بالتری» و «ضرورت اصلاح‌های قیمتی» را به بازار مخابره کرد.

این پیام‌ها شاید در ظاهر رنگ و بوی کارشناسی داشته باشند، اما برای بازاری که زیر فشار کسری بودجه، کمبود عرضه و نااطمینانی فعالان قرار داشت، یک پیام صریح داشت: دولت از تثبیت عقب‌نشینی کرده است. همین برداشت کافی بود تا انتظارات تورمی بالا برود و هسته سخت قیمت‌ها تکان بخورد.

اخبار



مخاطرات بازار رمزارز برای ثبات اقتصاد

بازار رمزارزها از سال ۲۰۰۹ با ظهور بیت‌کوین متولد شد؛ فناوری که در ابتدا بیشتر یک ایده به نظر می‌رسید، ولی امروز به یکی از مهم‌ترین متغیرهای مالی جهان تبدیل شده است. رمزارزها نه‌تنها ابزارهای دیجیتال هستند، بلکه در سطح کلان بر سیاست‌های پولی، نقدینگی و نرخ ارز اثر مستقیم می‌گذارند. گردش مالی سالانه رمزارزها در ایران به بیش از ۴۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده است که این حجم عظیم، ضرورت نقش محوری یک نهاد تنظیم‌گر را در مدیریت این بازار به یک الزام غیرقابل انکار تبدیل کرده است. بدون تنظیم‌گری مؤثر، این بازار می‌تواند به کاتالی برای خروج سرمایه، پولشویی و تشدید نوسانات ارزی تبدیل شود، اما با نظارت بانک مرکزی، فرصتی برای نوآوری ایمن و همکاری با اقتصاد ملی فراهم می‌آید.

انباشت ریسک‌ها در بازاری غیرشفاف

بازار رمزارز در ایران طی سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته و بیش از ۱۰ میلیون کاربر فعال و غیرفعال را جذب کرده است، اما نبود چارچوب شفاف می‌تواند زمینه‌ساز فعالیت‌های پرخطر و اختلال در سیاست‌های اقتصاد شود. بسیاری از کارشناسان معتقدند اگرچه رمزارزها در شرایط تحریم، به ابزاری برای دور زدن محدودیت‌ها تبدیل می‌شوند، اما معاملات آنها -به‌ویژه استیبل‌کوین‌هایی مانند ترنتر (USDT)- با ایجاد تقاضای پولی و ارزی، بر نرخ ارز، نقدینگی و حتی تورم اثر مستقیم می‌گذارند. بنابراین، شفافیت در تراکنش‌های ریالی کارگزاری‌های رمزارزی نه‌تنها یک ضرورت حیاتی، بلکه کلیدی برای مهار اثرات تورمی است. بانک مرکزی در همین راستا تأکید کرده که تراکنش‌های ریالی صرفی‌های رمزارزی تنها از مسیر حساب‌های مورد تأیید این بانک ممکن است؛ اقدامی که امکان رصد، کنترل و جلوگیری از پولشویی را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد. بر اساس قانون جدید بانک مرکزی (مصوب ۱۴۰۳)، هرگونه فعالیت بدون مجوز در این حوزه ممنوع بوده و بانک مرکزی به عنوان تنها مرجع تنظیم‌گر، مسئولیت صدور مجوز برای «کارگزاران رمزارز» و «نهادهای امین» را بر عهده دارد. در این زمینه روح‌الله منتقدارزاد، عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، با تأکید بر اهمیت روزافزون رمزارزها در روابط پولی و مالی کشور گفت: بانک مرکزی به عنوان سیاست‌گذار مسائل پولی و مالی، لازم است به شکل جدی‌تری به موضوع رمزارزها ورود کند. وی با اشاره به جایگاه قابل توجه رمزارزها در مبادلات مالی کشور افزود: آنچه اهمیت دارد، شفاف‌سازی و نظارت دقیق بر این حوزه است تا از سوءاستفاده‌ها، پولشویی و تقلبات جلوگیری شود.

کنترل نقدینگی و تورم از مسیر ساماندهی رمزارزها

بی‌قانونی در بازار رمزارز می‌تواند تقاضای ارز را افزایش دهد و به رشد نقدینگی و تورم دامن بزند؛ برای مثال، معاملات سفته‌بازانه تنر در بازار غیررسمی، فشار بر نرخ دلار را تشدید کرده و به‌طور غیرمستقیم به تورم دامن می‌زند؛ اما زمانی که این بازار بدون نظارت بانک مرکزی فعالیت کند، سیاست‌های پولی و ارزی منسجم‌تر اجرا می‌شود، تقاضای سفته‌بازانه کاهش می‌یابد و اثرات تورمی معاملات بی‌قاعده مهار می‌گردد. حامد غلامی، کارشناس حوزه بلاکچین، در این باره معتقد است: با توجه به اینکه معاملات رمزارزی به‌صورت غیرمستقیم بر تورم و رشد نقدینگی تأثیری می‌گذارد؛ اگر بانک مرکزی با جدیت وارد عمل شود و جویو فعالیت‌های غیرمجاز و کلاهبرداری‌ها را بگیرد، می‌توان انتظار داشت که دست‌کم حدود ۱۰ درصد از فشار تورمی فعلی کاسته شود.

بسیاری از کارشناسان بر این باورند که ساماندهی اصولی بازار رمزارز نه مانعی برای نوآوری، بلکه تضمینی برای ثبات اقتصادی است؛ موضوعی که محور اصلی رویکرد بانک مرکزی در ماه‌های اخیر قرار گرفته است.

این درحالی است که رمزارزها در عمل جانشین پول محسوب می‌شوند و مطابق قواعد بین‌المللی (مانند استاندارد‌های FATF)، هر ابزار مالی که نقش پول ایفا کند، باید تحت نظارت بانک مرکزی قرار گیرد. موضوع بعدی به ضرورت مقابله با فعالیت‌های غیرقانونی بازمی‌گردد؛ بانک مرکزی با الزام کارگزاری‌ها به استفاده از حساب‌های مورد تأیید، عملاً مسیر پولشویی، نقل و انتقالات‌های مشکوک و فرار مالیاتی را مسدود کرده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که بدون این نظارت، هجوم معاملات غیرشفاف می‌تواند تا ۳۰ درصد گردش مالی رمزارزها را به فعالیت‌های پرریسک اختصاص دهد. غلامرضا شریعتی، نم‌آینده مردم بهشهر در مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: با توجه به نقش و تأثیر رمزارزها در مبادلات پولی و مالی، اگر تراکنش‌ها در این حوزه شفاف نباشند، بدون تردید می‌توانند بر بازار ارز و به دنبال آن بر سایر بازارهای کشور تأثیر منفی بگذارند. همچنین بهاء‌الدین حسینی هاشمی، کارشناس ارشد مسائل پولی، گفت: ارزهای دیجیتال‌ی قدرت معامله‌گری خیلی سریعی دارند و اگر کنترل نشوند، باعث خروج ارز، فرار مالیاتی و معاملات بازار سیاه می‌شوند.

ابزارهای جدید بانک مرکزی

براساس این گزارش، ابزارهای جدید بانک مرکزی برای کنترل بازار از مورد توجه قرار گرفته است. این نهاد با تصویب «سند جامع چارچوب سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری در حوزه رمزارزها» (ابلاغ‌شده در ۱۴۰۳) و چارچوب‌های سیاستی مرتبط، در حال ایجاد سازگارهایی است که می‌تواند نقش مهمی در تثبیت بازار ارز داشته باشد. این سند، رمزارزها را به سه دسته (رمزپول‌های معاملاتی، توکن‌های دارایی و توکن‌های کاربردی) تقسیم کرده و بر «حکمرانی ریال» و ممنوعیت استفاده از رمزارزها به عنوان ابزار پرداخت داخلی تأکید دارد. از سوی دیگر، برای جلوگیری از موازی‌کاری نهادی، قانون‌گذار به‌طور رسمی مشخص کرده که تنها مرجع رسیدگی به حوزه رمزارز، بانک مرکزی است و سایر دستگاه‌ها باید فعالیت‌های خود را در هماهنگی با آن انجام دهند. این رویکرد، که به همکاری وزارت اقتصاد و شورای عالی فضای مجازی تدوین شده، از تکرار تجربیات گذشته (مانند مسدودسازی درگاه‌های پرداخت در ۱۴۰۴) جلوگیری می‌کند و به جای ممنوعیت، بر تنظیم‌گری توسعه‌محور تمرکز دارد.

لرزم شفافیت و قانون‌گذاری

با توجه به اینکه بازار رمزارز به شفافیت بیشتری نیاز دارد، رئیس کل بانک مرکزی دستور تشکیل کمیته تخصصی رمزارز را صادر کرده تا ارتباط ساختار یافته میان بانک مرکزی و فعالان خصوصی فراهم شود. علاوه بر این، بانک مرکزی چارچوب نظارتی کارگزاری‌ها و سازگار نگهداری رمزارزها را نیز تصویب کرده؛ اقدامی که از سوی تحلیلگران، به عنوان نقطه عطفی در روند ساماندهی این بازار توصیف شده است. همچنین، این نهاد به‌منظور حفظ ثبات پولی و جلوگیری از فشارهای سفته‌بازانه، سقف ۵ هزار تنتر (معادل ۵ هزار دلار) برای خرید سالانه و ۱۰ هزار دلار برای نگهداری تعیین کرده است. این تصمیم، به گفته کارشناسان از خروج بی‌رویه سرمایه جلوگیری کرده و مانع شکل‌گیری جهش در تقاضای ارزی می‌شود؛ برای نمونه، در دوره گذار یک ماهه، کاربران می‌توانند دارایی‌های مازاد را تعدیل کنند؛ اقدامی که ریسک‌های ناگهانی را کاهش می‌دهد. تحلیل‌ها حاکی است که این سقف‌ها می‌تواند تا ۲۰ درصد از تقاضای سفته‌بازانه را مهار و به تعادل بازار باز کمک کند.

تقلبات برخورد می‌شود» یا «نظارت‌ها تشدید خواهد شد» است، بدون اینکه داده‌ای، عددی، نموداری یا حتی توضیحی درباره اقدامات مشخص ارائه شود.

کارشناسان معتقدند علت این کلی‌گویی، دو عامل اصلی است: نخست، ملاحظات سازمان در مواجهه با خودروسازان به عنوان صنایع بزرگ و اثرگذار اقتصاد؛ دوم، نبود سازوکار الزام‌آور برای انتشار عمومی نتایج آزمون‌های آلایندگی. نبود شفافیت باعث شده نظارت‌ها بیشتر «داری و کاغذی» شود تا «عملی و مستمر» نکته مهم اینجاست در بسیاری از کشورها، خودرو علاوه بر مرحله تولید، در بازه‌های زمانی مشخص از سطح شهر جمع‌آوری و تست می‌شود تا مشخص شود آیا خودرو پس از کارکرد واقعی هم استاندارد را رعایت می‌کند یا خیر؛ اما در ایران، چنین سازوکاری نه‌تنها اجرا نمی‌شود، بلکه حتی گزارش‌های آزمایش محدود نیز در اختیار افکار عمومی قرار نمی‌گیرد.

تمام این مصادیق در کنار هم، تصویری روشن از چالش اصلی را نشان می‌دهد: استانداردها در ایران نوشته می‌شوند، اما اجرای آنها به دلیل ملاحظات اقتصادی، ضعف شفافیت، و گاه سهل‌انگاری نظارتی، خروجی ملموس و تأثیری واقعی بر کاهش آلودگی هواندارد. در حالی که خودرو بخش قابل توجهی از آلایندگی شهری را تشکیل می‌دهد، بی‌عملی نهاد نظار یا انکابه ادبیات غیرشفاف در روزهای جزئی می‌تواند اعتماد عمومی به ساختار استانداردسازی کشور را تضعیف کند.



بحران شفاف‌سازی شود.

رفتار سازمان ملی استاندارد در مقاطع تشدید آلودگی هوانیز بارها انتقادها را تشدید کرده است. به‌طور مثال در هفته‌هایی که شاخص آلودگی تهران یا اصفهان به مرزهای اضطراب می‌رسد، انتظار افکار عمومی این است که سازمان ملی استاندارد گزارش‌هایی درباره میزان انطباق فعلی خودروهای در حال شماره‌گذاری با استانداردها منتشر کند، یا حداقل نتایج آخرین پایش‌ها را اعلام کند؛ اما اطلاعیه‌های این سازمان اغلب شامل عباراتی کلی مانند «استانداردها در حال اجراست»، «با

مسکن است استاندارد را پاس کند، اما منسخه‌ای که در حجم انبوه از خط تولید خارج می‌شود الزماً کیفیت یکسانی ندارد.

یکی از مصادیق این خلأ نظارتی را می‌توان در ماجرای خودروهای آلودگی هوادر کلان‌شهرها و افزایش روزهای ناسالم برای همه گروه‌ها، نگاهه بار دیگر به سازمان ملی استاندارد ایران معطوف شده است؛ نهادی که به‌طور قانونی مسئول تعیین حدود مجاز آلایندگی و نظارت بر رعایت این حدود در خطوط تولید خودرو و صنایع وابسته است. با وجود جایگاه رسمی این سازمان، پرسش مهمی که اکنون در فضای کارشناسی و رسانه‌ای تکرار می‌شود، این است که آیا استانداردها در عمل اجرا می‌شوند؟ و اگر اجرا می‌شوند، چرا خروجی آن در فرآیند تولید خودرو در ایران، سازمان ملی استاندارد موظف است قبل از ورود هر خودرو به بازار، آزمون‌های آلایندگی شامل تست‌های چرخه شهری و برون‌شهری، اندازه‌گیری هیدروکربن‌ها، مونوکسیدکربن، اکسیدهای نیتروژن و ذرات معلق را انجام دهد. این آزمون‌ها باید در دوره‌های زمانی مشخص تکرار شوند تا انطباق خطوط تولید با استانداردهای ایلاعی حفظ شود. با وجود این ساختار، یکی از انتقادهای جدی کارشناسان آن است که این آزمون‌ها معمولاً به صورت نمونه‌برداری محدود انجام می‌شود و «به‌طور مستمر و آندوم در کل فرآیند در برخی شهرها نوسان داشته باشد. چنین نوسانی

در شرایطی که آلودگی هوا به مرز هشدار رسیده، نبود گزارش‌های شفاف از پایش آلایندگی خودروها، نقش کارآمدی سازمان ملی استاندارد را به چالش جدی تبدیل کرده است.

با تشدید آلودگی هوادر کلان‌شهرها و افزایش روزهای ناسالم برای همه گروه‌ها، نگاهه بار دیگر به سازمان ملی استاندارد ایران معطوف شده است؛ نهادی که به‌طور قانونی مسئول تعیین حدود مجاز آلایندگی و نظارت بر رعایت این حدود در خطوط تولید خودرو و صنایع وابسته است. با وجود جایگاه رسمی این سازمان، پرسش مهمی که اکنون در فضای کارشناسی و رسانه‌ای تکرار می‌شود، این است که آیا استانداردها در عمل اجرا می‌شوند؟ و اگر اجرا می‌شوند، چرا خروجی آن در گاهش آلایندگی هوا محسوس نیست؟

در فرآیند تولید خودرو در ایران، سازمان ملی استاندارد موظف است قبل از ورود هر خودرو به بازار، آزمون‌های آلایندگی شامل تست‌های چرخه شهری و برون‌شهری، اندازه‌گیری هیدروکربن‌ها، مونوکسیدکربن، اکسیدهای نیتروژن و ذرات معلق را انجام دهد. این آزمون‌ها باید در دوره‌های زمانی مشخص تکرار شوند تا انطباق خطوط تولید با استانداردهای ایلاعی حفظ شود. با وجود این ساختار، یکی از انتقادهای جدی کارشناسان آن است که این آزمون‌ها معمولاً به صورت نمونه‌برداری محدود انجام می‌شود و «به‌طور مستمر و آندوم در کل فرآیند تولید» به برخی شهرها نوسان داشته باشد. چنین نوسانی

استاندارد روی کاغذ، دود در هوا



مردم مقصر پرمصرفی انرژی نیستند

مدیربهبه‌سازی مصرف انرژی شرکت ملی صنایع پتروشیمی گفت: سالانه ۱٫۵ میلیارد دلار عدم الئفج صنعت پتروشیمی از عدم تخصیص گاز است، این رقم در سال گذشته ۱٫۲ میلیارد دلار بوده و امسال به ۲ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت.

علی ربانی، مدیربهبه‌سازی مصرف انرژی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در نشست حکمرانی انرژی در ناترازی که در دانشگاه شریف برگزار شد، اظهار داشت: ایران دومین دارنده ذخایر گاز جهان و سومین تولیدکننده گاز جهان است، با این حال به دلیل حکمرانی اشتباه در بخش انرژی، به وضعیت فعلی ناترازی گاز رسیده‌ایم.

وی افزود: ظرفیت اسمی صنعت پتروشیمی ایران به مرز ۱۰۰ میلیون تنی رسیده، ۷۵ میلیون تن ظرفیت عملی تولید محصول داریم و ۴۲ میلیون تن محصول نهایی تولید می‌شود و مابقی این ظرفیت، محصولاتی است که در زنجیره صنعت پتروشیمی تولید و مصرف می‌شود تا به محصول نهایی برسیم. مدیربهبه‌سازی مصرف انرژی شرکت ملی صنایع پتروشیمی تصریح کرد: اگر صنعت پتروشیمی نبود، امروز باید حتی نخ نساجی و پت بطری را هم وارد می‌کردیم، درحالی که این محصولات نهایی با تأمین مواد اولیه از تولیدات صنعت پتروشیمی، در کشور به تولید می‌رسند.

وی ادامه داد: ارزش محصولات تولیدی پتروشیمی ایران ۲۴ میلیارد دلار در سال است و سالانه چیزی در حدود ۱۳ میلیارد دلار صادرات پتروشیمی داریم که نقش مهمی در تأمین ارز و درآمدزایی کشور دارد.

ربانی با بیان اینکه با وجود تحریم‌ها و همه مشکلات، برنامه‌ریزی شده ظرفیت اسمی تولید محصولات پتروشیمی ایران در پایان برنامه هفتم به ۱۳۱٫۵ میلیون تن و در سال ۱۴۱۲ به ۱۶۰ میلیون تن افزایش یابد، گفت: صنعت پتروشیمی فقط ۱۱ درصد گاز تولیدی کشور را مصرف می‌کند اما نقش مهم برپرنگی در اقتصاد کشور دارد. وی افزود: ۶۵ درصد درآمد هدفمندی از فروش گاز داخلی به پتروشیمی‌ها تأمین می‌شود و درآمد دولت از فروش گاز به پتروشیمی‌ها درآمد قابل توجهی است. مدیربهبه‌سازی مصرف انرژی شرکت ملی صنایع پتروشیمی با بیان اینکه صرفه جویی و بهینه‌سازی مصرف انرژی را از صنعت پتروشیمی شروع کرده‌ایم، گفت: صنعت پتروشیمی در چهار سال گذشته با اجرای طرح‌های بهینه‌سازی موفق به صرفه جویی ۱٫۷ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی شده است و برای امسال صرفه جویی ۲۶۵ میلیون مترمکعبی با اجرای ۸۰ پروژه در صنعت پتروشیمی هدفگذاری شده است. وی افزود: صنعت پتروشیمی پرچمدار رعایت استاندارد معیار مصرف است و امروز ۷۱ درصد از صنعت پتروشیمی معیارهای مصرف انرژی را پاس کرده است.

ربانی با بیان اینکه صنعت پتروشیمی ایران ۹۰ درصد از برقی مصرفی خودش را تأمین می‌کند، گفت: در بخش خوراک پتروشیمی‌ها، روزانه ۵۰ میلیون مترمکعب ظرفیت دریافت گاز داریم که در روزهای سرد سال، به ۱۱ میلیون مترمکعب کاهش می‌یابد و تخصیص گاز به خوراک پتروشیمی‌ها در طول سال به طور متوسط به رقم ۲۸ میلیون مترمکعب می‌رسد.



کاهش اثرات تورمی در اقتصاد کشور از طریق اجرای مالیات بر سوداگری

کارشناس اقتصادی گفت: اجرای طرح مالیات بر سوداگری و عایدی سرمایه نقش بسیار موثری در کاهش اثرات تورمی و سوداگری در بازار دارد. به گزارش اقتصاد معاصر: حسن قاضی، کارشناس اقتصادی با بیان اینکه اجرای طرح مالیات بر سوداگری و عایدی سرمایه یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سازمان امور مالیاتی و به عنوان اولویت‌های این بخش به شمار می‌رود گفت: این طرح با هدف اصلی «هدایت سرمایه به سمت تولید» و کاهش فعالیت‌های سوداگرانه در بازارهای غیرمولد، واردات نهایی بررسی‌های آمادسازی زیرساخت‌ها شده است.

وی ادامه داد: هدف از اجرای این طرح، اعمال نرخ‌های مالیاتی پلکانی بر اساس مدت زمان نگهداری دارایی است. این رویکرد مستقیماً برای مقابله با واسطه‌گری طراحی شده است؛ چراکه هرچه زمان نگهداری دارایی کوتاه‌تر باشد (نشانه سفته‌بازی)، نرخ مالیات اعمالی سنگین‌تر خواهد بود. وی بیان کرد: اجرای این طرح خود نقش بسیار موثری در بهبود وضعیت بازار اقتصادی کشور خواهد داشت و می‌تواند زمینه‌ساز کاهش اثرات تورمی واز سوی دیگر کاهش سوداگری در اقتصاد کشور شود چراکه در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مشکلات در حوزه اقتصاد ورود دلاران و سوداگران به این بخش است آثار بدی را در این حوزه بر جای گذاشته است.

این کارشناس اقتصاد توضیح داد: بخش قابل توجهی از افزایش قیمت دارایی‌ها در شرایط تورمی کشور، ناشی از حفظ ارزش پول بوده و نه سوداگری محض؛ بنابراین بسیاری خواهند آن هستند که مبنای مالیات‌گیری، «خالص عایدی» (سود پس از کسر نرخ تورم رسمی) باشد. وی افزود: اجرای کامل این قانون منوط به دو عامل اصلی است: تصویب نهایی مجلس و شورای نگهبان و آماده‌سازی کامل زیرساخت‌های فنی و سیستمی سازمان امور مالیاتی. پیش‌بینی می‌شود پس از تصویب، یک دوره تنفس (حداقل سه ساله) برای اجرای آن در نظر گرفته شود. این کارشناس اقتصادی یادآور شد: طرح «مالیات بر عایدی سرمایه» یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستی دولت‌ها برای مدیریت بازارهای دارایی و هدایت سرمایه‌های سرگردان است. این ابزار مالیاتی در اقتصادهایی که با نقدینگی مازاد و تورم بالا دست و پنجه نرم می‌کنند، به عنوان یک مکانیسم تعدیل‌کننده اهمیت پیدا می‌کند. وی گفت: این طرح با هدف ساماندهی بازارهای غیرمولد نظیر مسکن، خودرو، طلا و ارز تدوین شده است تا با اخذ مالیات از سود حاصل از نوسان‌گیری (سوداگری)، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و مولد اقتصادی تشویق شود.

■ چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۴

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۹۹

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶

■ چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۴

■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۹۹

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی – چهارراه فرصت – پلاک ۹۸ – طبقه ۶



جدال ناجوانمردانه تورم کالاهای اساسی با دستمزد کارگران

گزارش

آتیجه امروز در بازار لبنیات ایران جریان دارد، صرفا افزایش قیمت نیست، بلکه نشانه‌ای روشن از تعمیق شکاف میان درآمد و هزینه در سبد معیشت کارگران است. رشد انفجاری بهای لبنیات در سال ۱۴۰۴، در برابر افزایش محدود دستمزد، معادله‌ای نابرابر ساخته که نتیجه آن حذف تدریجی اقلام پروتئینی و کلسیمی از سفره دهک‌های پایین است. افزایش ۴۵ درصدی حداقل دستمزد در ابتدای سال، در ظاهر یک گام رو به جلو برای جامعه کارگری تلقی شد اما شتاب تورم، به‌ویژه در گروه خوراکی‌ها، به قدری بالا بوده که عملاً این افزایش را در کمتر از چند ماه خنثی کرده است. لبنیات به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های امنیت غذایی، بیش از هر کالای دیگری نمادین ناترازی شده است. در ابتدای سال، قیمت هر بطری شیر در محدوده ۳۰ هزار تومان قرار داشت اما در میانه آذرماه، همان محصول با برچسب قیمتی نزدیک به ۸۶ هزار تومان عرضه می‌شود. این به معنای رشد بالای ۱۸۰ درصدی در یکی از پایه‌ای‌ترین

حذف ارز ترجیحی برنج؛

بازار در انتظار شفافیت یا جهش قیمت؟

با حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی از واردات برنج، یکی از مهم‌ترین منابع رانت در زنجیره تأمین این کالا کنار گذاشته شد: تصمیمی که دبیرانجمن واردکنندگان برنج می‌تواند در بلندمدت به شفافیت و رقابت سالم در بازار منجر شود، اما در کوتاه‌مدت احتمال جهش قیمت را نیز تقویت می‌کند. اکنون نگاه‌ها به سیاست‌گذار دوخته شده تا با تعیین سازوکارهای روشن برای واردات، تسویه معوقات ارزی و تضمین عرضه پایدار، از شوک قیمتی و بی‌ثباتی بازار جلوگیری کند. به گزارش ایسا، غلامرضا نوری قزلبچه، وزیر جهاد کشاورزی طی روزهای گذشته از حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برای برنج خارجی خبر داد که از این پس واردکنندگان باید از ارز تالار دوم برای تأمین برنج استفاده کنند.

بر اساس این تصمیم، برنج وارداتی مانند برنج هندی و پاکستانی دیگر مشمول ارز دولتی ارزان نخواهد بود. پیش از این، سیاست تخصیص ارز ترجیحی با هدف تنظیم بازار و عرضه برنج با قیمت مصوب اتخاذ می‌شد، اما مطابق گزارش فعالان صنفی، قیمت مصوب تقریباً در بازار محقق نمی‌شد. رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی تهران در گفت‌وگویی با اشاره به آثار حذف ارز ترجیحی گفت: پس از این تصمیم، قیمت برنج هندی وارداتی به حدود ۱۳۵ هزار تومان و برنج پاکستانی به حدود ۱۶۰ هزار تومان خواهد رسید. اگر عرضه واردات با ارز آزاد سرعت انجام شود ممکن است قیمت نسبت به آنچه اکنون در بازار است، کاهش یابد؛ هرچند در کوتاه‌مدت احتمال گران‌تر شدن نیز وجود دارد. کارشناسان اقتصادی پیش از این هشدار داده بودند که ارز ترجیحی منجر به رانت و توزیع ناعادلانه می‌شود، زیرا کالا با قیمت مصوب به دست مصرف‌کننده نمی‌رسید و اختلاف نرخ میان ارز ترجیحی و بازار آزاد، محفلی برای سود واسطه‌گر ایجاد کرده بود.

حذف ارز ترجیحی از واردات برنج، اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت موجب افزایش قیمت شود، اما به گفته برخی تحلیلگران، زمینه را برای شفافیت بازار و کاهش رانت فراهم می‌کند. با این حال موفقیت این سیاست مستلزم نظارت دقیق بر زنجیره تأمین و توزیع و ثبات عرضه واردات است تا افزایش قیمت به نفع مصرف‌کننده پایان یابد و بازاری نامصفانه تر شکل گیرد. مجید رضا خاکی - دبیر انجمن واردکنندگان برنج ایران - در گفت‌وگو با ایسا، درباره اثرات حذف ارز ترجیحی برنج گفت: تصمیم به حذف ارز ترجیحی تصمیمی صحیح بوده و حتی می‌توانست زودتر، مثلاً از ابتدای آذر سال گذشته هم زمان با رفع ممنوعیت فصلی واردات، اجرایی شود؛ اما اینکه این تصمیم چه تأثیری بر واردات، تأمین و بازار برنج خواهد داشت، کاملاً وابسته به رویکرد سیاست‌گذار است.

او توضیح داد: با حذف ارز ترجیحی، کالا عملاً از شمول اقلام یارانه‌ای خارج می‌شود. اگر هم بنا باشد حمایتی صورت گیرد، این حمایت مستقیماً در حلقه نهایی یعنی دهک‌های هدف اعمال خواهد شد. در نتیجه خود کالا دیگر یارانه‌ای نیست و باید به عنوان کالای آزاد در نظر گرفته شود و قوانین و مقررات

اقلام تغذیه خانوار است. چنین افزایشی نه فقط با نرخ تورم رسمی همخوانی ندارد، بلکه به مراتب جلوتر از رشد دستمزد حرکت کرده است.

تورم خوراکی‌ها؛ فشار نامتوازن بر دهک‌های پایین

بررسی داده‌های تورمی نشان می‌دهد که فشار اصلی افزایش قیمت‌ها بر دوش دهک‌های پایین درآمدی قرار گرفته است. برخلاف تصور رایج، تورم صرفاً یک عدد میانگین نیست، بلکه توزیع آن میان طبقات مختلف جامعه نابرابر است.

خوراکی‌ها به دلیل سهم بالایی که در هزینه‌های خانوارهای کم‌درآمد دارند، بیشترین نقش را در فرسایش قدرت خرید این گروه ایفا می‌کنند.

رشد بیش از ۱۰۰ درصدی قیمت نان، غلات، میوه و خشکبار در کنار جهش لبنیات، عملاً ستون فقرات سفره کارگری را هدف قرار داده است. در چنین شرایطی حتی اگر درآمد اشمی کارگر افزایش یابد، قدرت خرید واقعی او به شدت کاهش پیدا می‌کند. نتیجه این فرآیند، کوچک شدن سبد مصرفی و جایگزینی اقلام مغذی با کالاهای ارزان و کم‌ارزش غذایی است.

بازار بی‌قرار؛ ثبات ناپایب قیمتی و آغاز شوک‌های روزانه یکی از نشانه‌های خطرناک وضعیت فعلی، از بین رفتن منطق تغییرات قیمتی است. دیگر نمی‌توان از نوسان ماهانه یا حتی هفتگی سخن گفت؛ قیمت‌ها در بازه‌های ۴۸ ساعته تغییر می‌کنند. این بی‌ثباتی نه فقط برنامه‌ریزی خانوار را مختل کرده، بلکه خود به عاملی برای تشدید تورم انتظاری تبدیل شده است.

وقتی مصرف‌کننده مشاهده می‌کند که قیمت یک کالا ظرف دو روز نزدیک به ۱۰ هزار تومان افزایش یافته، رفتارهای احتیاطی و هجوم برای خرید شکل می‌گیرد؛ رفتاری که خود به موج‌های جدید افزایش قیمت دامن می‌زند. از این منظر، بازار لبنیات فقط قربانی تورم نیست، بلکه به یکی از موتورهای آن هم تبدیل شده است.

حذف تدریجی لبنیات؛ زنگ خطر برای سلامت عمومی

لبنیات صرفاً یک کالای مصرفی نیست، بلکه ستون اصلی تأمین کلسیم، پروتئین و ریزمغذی‌های ضروری برای رشد کودکان و حفظ سلامت استخوان در بزرگسالان به شمار می‌رود. کاهش مصرف این گروه کالایی، پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت گسترده‌ای دارد. سرانه مصرف لبنیات در ایران حدود ۷۰ کیلوگرم برآورد می‌شود؛ رقمی که فاصله‌ای معنادار با استانداردهای جهانی نزدیک به ۱۶۰ کیلوگرم دارد. این شکاف پیش از موج جدید گرانی نیز وجود داشت اما جهش اخیر قیمت‌ها آن را به مرز بحران رسانده است. در دهک‌های پایین، لبنیات نه به عنوان یک ماده غذایی روزمره، بلکه به یک کالای لوکس تبدیل شده است.

امنیت غذایی در معرض تهدید ساختاری

گرانی لبنیات رانمی‌توان به صورت مجزا از کل نظام تأمین غذا تحلیل کرد. افزایش هزینه نهاده‌های دامی، بی‌ثباتی نرخ ارز، ضعف سیاست‌های تنظیم بازار و نبود نظارت موثر، زنجیره‌ای از عوامل هستند که به شکل‌گیری این وضعیت انجامیده‌اند. زمانی که سیاست‌های حمایتی به جای مصرف‌کننده، در مراحل ابتدایی زنجیره هضم می‌شوند، نتیجه نهایی چیزی جز افزایش قیمت برای مردم نخواهد بود.

کاهش مصرف لبنیات فقط یکی از نشانه‌های ناامنی غذایی است. هم‌زمان با آن، مصرف گوشت، میوه و حتی تخم‌مرغ نیز در سبد دهک‌های پایین یافته است. این یعنی خانوارها برای بقا، دست به حذف بی‌دریی گروه‌های غذایی می‌زنند؛ الگویی که مستقیماً سطح سلامت جامعه را در بلندمدت تضعیف می‌کند.

فرسایش سرمایه انسانی؛ هزینه پنهان گرانی لبنیات

آتیجه امروز به صورت گرای یک بطری شیر دیده می‌شود، فردا به شکل افزایش هزینه‌های درمان، کاهش بهره‌وری نیروی کار و تشدید نابرابری‌های اجتماعی بروز خواهد کرد. کودکانی که امروز از تغذیه مناسب محروم می‌شوند، نیروی کار ضعیف‌تری در آینده خواهند بود. این یعنی گرانی لبنیات فقط مسئله معیشت نیست، بلکه مستقیماً امنیت اقتصادی آینده کشور را هدف قرار داده است. در کنار آن، فشار اقتصادی بر خانواده‌ها، تصمیم‌گیری‌های حیاتی مانند ازدواج، فرزندآوری و سرمایه‌گذاری در آموزش را نیز تحت تأثیر قرار داده است. وقتی هزینه تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای غذایی با چالش مواجه شود، سایر نیازها به طور طبیعی به حاشیه رانده می‌شوند.

مه‌ار تورم، شرط نجات سفره کارگر

تضاد آشکار میان رشد بیش از صددرصدی قیمت لبنیات و افزایش محدود دستمزد کارگران، تصویری شفاف از شکست سیاست‌های کنترل تورم در بخش کالاهای اساسی ارائه می‌دهد. تا زمانی که تورم خوراکی‌ها مه‌ار نشود، هرگونه افزایش دستمزد، صرفاً یک مسکن موقت خواهد بود که اثر آن در کوتاه‌ترین زمان ممکن از بین می‌رود.

تضاد آشکار میان رشد بیش از صد درصدی قیمت لبنیات

و افزایش محدود دستمزد

کارگران، تصویری شفاف

از شکست سیاست‌های

کنترل تورم در بخش کالاهای

اساسی ارائه می‌دهد

رشد اقتصادی نزدیک به صفر در برابر رشد ۴۵ درصدی بازارهای سفته‌بازی

در حالی اقتصاد ایران در شش ماهه نخست ۱۴۰۴ با رشد ۰٫۱ درصدی با نفت و منفی ۰٫۵ درصدی بدون نفت، عملاً در وضعیت رکودی باقی مانده که بازارهای سفته‌بازی مثل طلا و نقره با رشد‌های ۱۷ و ۴۵ درصدی مواجه شدند. در گزارش تازه مرکز آمار درباره عملکرد اقتصاد ایران در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴، تصویری روشن از وضعیت رکودی بخش‌های مولد ارائه می‌شود: تصویری که نشان می‌دهد اقتصاد همچنان با ضعف در خلق ارزش افزوده پایدار مواجه است. بر اساس این داده‌ها، تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت با احتساب نفت به رقم ۵۰۶۵۸ هزار میلیارد ریال رسیده که حدود ۰٫۱ درصد بیش از رقم ۵۰۶۱۲ هزار میلیارد ریال در دوره مشابه سال قبل است.

رشد منفی ۰٫۵ درصدی اقتصاد بدون نفت

در نقطه مقابل، تولید ناخالص داخلی بدون نفت از ۳۸۴۳۳ هزار میلیارد ریال به ۳۸۱۸۹ هزار میلیارد ریال کاهش یافته و رشد منفی ۰٫۵ درصدی را ثبت کرده است؛ که نشانه‌ای از افت فعالیت در بخش‌هایی است که موتور اصلی اشتغال و ارزش افزوده غیرنفتی کشور محسوب می‌شوند.

جاذبیت فعالیت غیرمولد

این روند نشان می‌دهد که ساختار انگیزشی اقتصاد ایران همچنان به نفع فعالیت‌های غیرمولد عمل می‌کند در شرایطی که بازدهی فعالیت‌های سوداگرانه از خرید و فروش دارایی‌ها تا دلالی در بازارهای مختلف بالاتر و کم‌ریسک‌تر از سرمایه‌گذاری در تولید است. طبیعی است که سرمایه به سوی بخش‌هایی حرکت کند که برای اقتصاد ارزش افزوده ایجاد نمی‌کنند، با ادامه این مسیر، اقتصاد نه تنها امکان رشد و اشتغال‌زایی را از دست می‌دهد، بلکه به تدریج توان رقابتی اقتصاد نیز کاهش پیدا می‌کند؛ از همین رو، اصلاح مسیر جریان سرمایه و حرکت به سمت فعالیت‌های مولد ضروری است.

رشد برخی بازارهای نامولد در ۶ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۴

رشد منفی تولید ناخالص داخلی در حالی است که عمده بازارهای نامولد رشد قیمتی مثبت را در ۶ ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۴ تجربه کردند؛ به عبارتی در حالی که فعالیت‌های مولد در ۶ ماه ابتدایی سال ۱۴۰۴ تصعیف شده است؛ بازار نامولدی به مانند نقره و یا طلای ۱۸ عیار به ترتیب در ۶ ماهه ابتدایی سال رشدی معادل ۴۵٫۸۲ و ۹۱٫۹۱ درصد را تجربه کردند؛ که نشان از جاذبیت‌های این بازار و عدم هدایت نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد دارد.

چرخش به سمت فعالیت مولد اقتصادی

از طرفی تقویت مشوق‌های سرمایه‌گذاری مولد، کاهش ریسک‌های بازار، و محدود کردن فرصت‌های سوداگرانه می‌تواند شرایطی ایجاد کند که سرمایه‌گذاران، به جای حرکت به سمت فعالیت‌های نامولد، به مشارکت در بخش‌های تولیدی انگیزه پیدا کنند؛ تنها با چنین چرخشی است که می‌توان امیدوار بود رشد اقتصادی از وضعیت رکودی خارج شود و زمینه برای رشد اقتصادی فراهم گردد.